

روایتی از زندگی محمدابراهیم نوروزی، فعال قرآنی محله فاطمیه که یک عمر در خدمت هم محلی هایش بوده است

عاقبت خوش هم نشینی باقرآن



راه تجربه

زهرارشربعتی از اولین ساکنان محله فاطمیه است؛ وقتی هنوز تعداد خانه های محله به عدد انگشتان دست هم نمی رسید، ساکن اینجا شد و به اتفاق همان چند همسایه، شروع کرد به رسیدگی و آبادانی محله؛ از آوردن آب و برق و گاز به محله تا گرداندن مسجد و تشکیل جلسه قرآن خانگی که هنوز هم برقرار است. صحبت از محمدابراهیم نوروزی، پیشکسوت قرآنی محله فاطمیه است که در ادامه از برکت زندگی باقرآن می گوید.

● قرآن بخوان، کیف کنیم!

نوروزی که این روزها هشتاد و سومین بهار زندگی را سپری می کند، متولد تربت حیدریه است و بزرگ شده مشهد؛ تحصیلات ابتدایی را که تمام کرد، ترجیح داد مشغول کار شود. سواد و تربیت قرآنی اش را مرهون پدری است که کاسب بود و اهل علم و قرآن. از آن روزها این طور یاد می کند: پدرم با اینکه مسگر بود، مطالعات فقهی و حوزوی خوبی داشت و با علما مانوس بود. مرتب در خانه قرآن می خواند و وقتی ما را مشغول بازی در کوچه می دید، می گفت: «این قدر دنبال بازی نباشید؛ بیایید کنار من بنشینید.» با اینکه اجبار در کار نبود، اوایل به خاطر امر پدر با بی میلی می نشستیم و گوش می دادیم ولی به تدریج علاقه مند و دل بسته قرآن شدم.

به گفته خودش با تشویق های پدر و تأکیدی که روی تجوید و درست خوانی داشت، در مدتی کوتاه طوری پیشرفت کرد که اقوام به او می گفتند «قرآن بخوان، کیف کنیم!»

● به محله ام بی تفاوت نبودم

این طور که تعریف می کند، فوت مادر در دوازده سالگی و سنگینی داغش، بهانه ای شد برای مهاجرت پدر به مشهد و شروعی دوباره در این شهر مقدس؛ «سال ۱۳۳۷ همراه پدر ساکن مشهد شدیم و در حوزه نزدیک به حرفه پدری یعنی ریخته گری و ذوب فلزات کارم را ادامه دادم. بعد از خدمت سربازی و ازدواج هم مدتی رانندگی درون شهری و برون شهری را تجربه کردم و بعد همراه برادرم به تولید چراغ پرداختیم.» کمی بعد وارد کار قطعه سازی موتورسیکلت شد و طی بیست سال اخیر هم روی تولید قطعات پرسی و فرو و فوره تمرکز کرده است؛ «سال ۱۳۵۴ این خانه را در محله فاطمیه ساختم و از آن زمان که اینجا فقط چهار پنج خانه داشت، تا کنون همین جا هستیم. نوساز بودن محله دردسرهایی داشت مثل نبود برق، آب و گاز و... به اتفاق همان ساکنان معدود محله آن قدر به سازمان های مربوطه رفتیم که دیگر کارمندان ما را شناخته بودند و هر طور بود توانستیم امتیازات را به محله بیاوریم. شخصاً هم به مشکلات بی تفاوت نبودم؛ با هزینه خودم کوچه را آسفالت و بن بست انتهایی آن را که مشکل ساز بود و حالا به جاده رسالت راه دارد، رفع کردم که اهالی محله خیلی خوشحال شدند.»

● دورهمی شبانه ای که عاقبت به خیر شد

شکل گیری جلسه قرآن در محله فاطمیه از برنامه هایی بود که خیلی اتفاقی پا گرفت و ماندگار شد. او در این باره می گوید: فعالیت برای محله از همان پیش از انقلاب سبب رفاقت و رفت و آمد بیشتر با اهالی شده بود، به طوری که معمولاً شب ها جلو در خانه، دور هم جمع می شدیم؛ پدر که با توجه به فقدان مادر، از ابتدای ازدواجمان با ما زندگی می کرد، به رسم توجه همیشگی اش به قرآن و تشویق دیگران برای انس با این کتاب آسمانی، پیشنهاد تشکیل جلسه

هیچ وقت در زندگی احساس کمبود نکرده ام و به آنچه دارم، قانع هستم. معتقدم هر چه ندارم، صلاح نبوده است؛ پس برای نداشته ها هم خدا را شکر می کنم.»

● هم آموزش قرآن، هم روشنگری درباره مسائل روز

جمشید مهدوی کوچک سرایی، از دوستان دبیرین محمد آقا که جانباز انقلاب اسلامی است، تعریف می کند: از سال ۵۹ که در محله فاطمیه خانه خریدم، با آقای نوروزی و جلسه قرآنش آشنا شدم. حکم استادم را دارد. آن زمان حدوداً سی سال داشتم و روخوانی قرآن را بلد بودم اما در جلسه ایشان، صوت و لحن را هم یاد گرفتم و حالا به صورت حرفه ای ترتیل می خوانم. در همان پنج شش سالی که در آن محله ساکن بودم، از نزدیک آثار و برکات این جلسه را می دیدم؛ افرادی بودند که با وجود سن زیاد نمی توانستند قرآن بخوانند ولی با آموزش های آقای نوروزی خیلی خوب، هم روخوانی و هم ترتیل قرآن را آموختند.»

به گفته او این جلسه فقط آموزش قرآن نبوده است، بلکه مسائل فرهنگی سیاسی روز، سیره اهل بیت (ع)، امر به معروف و نهی از منکر، خدمت به محرومان و... هم در آن مطرح می شده که بسیار لازم و مؤثر بوده است. می گوید: مردم در خفقان دوران طاغوت، از اطلاعات و تحلیل محروم بودند و مثل امروز نبود که هر کسی در هر سنی، اطلاعات یا قدرت تحلیل داشته باشد.

قرآن را مطرح کرد تا دورهمی مان، مفید دنیا و آخرت باشد. استقبال کردیم و به تدریج اعضای جلسه افزایش پیدا کرد به حدی که اتاق پذیرایی مان پر می شد.

تا حدود سال ۶۹ که پدرش در قید حیات بود، جلسه هر هفته، شب های چهارشنبه، به صورت نوبتی خانه به خانه برگزار می شده و خودش عهده دار تجوید و اصلاح قرائت ها بوده است. بعد از او مدتی محمد آقا این کار را انجام می داد اما از حدود سال ۹۷ که شرایط جسمی اش دیگر خوب نبوده است و نمی تواند به مسجد برود، این کار به افراد دیگری مثل آقای طبرانی واگذار شده است.

● راننده افتخاری پدر رهبر

این فعال قرآنی با توجه به ایام شهادت رهبر معظم انقلاب، به دغدغه ها و فعالیت های قرآنی ایشان اشاره می کند و می گوید: مثل ایشان دیگر وجود ندارد؛ خیلی راحت از دستشان دادیم؛ باورم نمی شود که دیگر نیستند. بعد هم یاد خاطره ای زیبا از پدرش و پدر رهبر شهید می افتد: «از وقتی به یاد دارم پدرم مقید بود نیمه شب ها به حرم مطهر مشرف شود؛ من هم احساس وظیفه می کردم هر وقت که امکانش فراهم باشد، او را به حرم برسانم و برگردانم. حدود سال های ۵۴ تا ۵۶ متوجه شدم که پدر در حرم مطهر پشت سر آیت... سید جواد خامنه ای (پدر رهبر شهید) نماز می خواند و به ایشان ارادت دارد. من که افراد مورد علاقه پدر، مانند خودش برایم محترم بودند، تصمیم گرفتم هر شب که خدمت پدر می رسم، آیت... سید جواد خامنه ای را هم به منزلشان برسانم؛ گاهی با موتور و گاهی باژیانی که تازه خریده بودم. این خدمت را انجام دادم؛ هر چند آن زمان هیچ شناختی از جایگاه ایشان و فرزندشان، آقا سید علی نداشتم.»

● برکت قرآن در زندگی

آقای نوروزی معتقد است هر چه دارد از نعمت سلامتی، خانواده، همسر و فرزندان با ایمان از برکت قرآن است؛ «به لطف خدا همسری با ایمان و پنج فرزند دارم و همیشه، از لحاظ مادی، در رفاه بوده ام؛ این ها همه از برکت قرآن است. سعی کردم رسم قرآنی پدر را برای فرزندانم اجرا کنم و زیاد در خانه قرآن می خواندم. هر چند نشد مثل پدر برای بچه ها وقت بگذارم، شکر خدا همه اهل قرآن هستند.»

